

Identifying the current Barriers to civil society development with an emphasis on Iran

Faisal Hamidi¹
Ali Akbar Amini²
Yaser Kahrazeh³

Received Date: 14 Mar 2021
Reception Date: 16 May 2021

Abstract

As a public and managerial field, Civil society has political, cultural, economic, and social origins to achieve the guarantee of freedom and human dignity as a natural right and a valuable supervisory institution and its supervisory role as a particular task concerning the type and scope of supervision is focused by a democratic society. Therefore, in the present study, we examine the current Barriers to civil society development. The descriptive-library method has been used to collect information in this research, and the analytical method has been used to obtain the result. The findings of the study showed that since in recent years this category and its various dimensions have been paid much attention to, there are still obstacles to its spread in society, including the impact of atheistic thoughts on civil society. And the constituent elements of its dependence on foreigners, the existence of individual and government-affiliated regime parties, public pessimism and ignorance of the position of civil society and its constituent elements, including parties, and the lack of fundamental changes in the formulation and the confrontation between tradition and modernity. In general, it can be concluded that civil society is an important and fundamental category in realizing the rights and needs of the people, so

¹ . Ph.D. student in Political Science, Zahedan University

² . Department of Political Science, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding *author*) amini.aliakbar@yahoo.com

³ . Assistant Professor of Political Science, Azad University, Zahedan Branch, Zahedan, Iran

its development and removal of obstacles to its expansion are important and it is necessary that at the macro-level of regulation, more attention should be paid to it.

Keywords: Civil Society, Barriers to Civil Society, Citizenship Rights, Iran.

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱ صص ۲۶-۱

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.279847.1639>

شناخت موانع موجود بر سر راه گسترش و بسط جامعه مدنی با تمرکز بر ایران

فیصل حمیدی^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴

علی اکبر امینی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۶

یاسر کهرازه^۳

چکیده

جامعه مدنی به عنوان حوزه عمومی و نظارتی با خاستگاه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به منظور رسیدن به حفظ و تضمین حقوق آزادی و کرامت و ارزش انسانی به عنوان حق طبیعی و یک نهاد ارزشمند نظارتی از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین در پژوهش حاضر سعی بر آن است که موانع موجود بر سر راه گسترش جامعه مدنی مورد مطالعه قرار گیرد. در این پژوهش جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و جهت دستیابی به نتیجه نهائماً از روش تفسیری-کیفی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که با توجه به اینکه در سال‌های اخیر بسیار به این مقوله و ابعاد مختلف آن پرداخته شده است باز هم موانعی بر سر راه گسترش آن در جامعه وجود دارد که از جمله این موارد می‌توان به: تأثیر افکار الحادی بر جامعه مدنی و عناصر تشکیل دهنده وابستگی آن به بیگانگان، وجود احزاب رژیم‌ی فرد محور و وابسته به دولت، بدبینی و ناآگاهی عامه مردم نسبت به جایگاه جامعه مدنی و عناصر تشکیل دهنده آن از جمله احزاب و عدم تغییرات پایه‌ای و اساسی در

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

۲. گروه علوم سیاسی، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ایمیل: amini.aliakbar@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

صورت‌بندی‌های اجتماعی، و مقابله بین سنت و تجدد اشاره نمود. به طور کلی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که جامعه مدنی در تحقق حقوق و رفع نیازهای مردم به عنوان یک مقوله مهم و اساسی به شمار می‌رود لذا توسعه آن و از بین بردن موانع بسط آن از اهمیت برخوردار است و نیاز هست که در سطح کلان تنظیم قوانین، به آن بیشتر توجه گردد.

واژگان کلیدی: جامعه مدنی، موانع جامعه مدنی، حقوق شهروندی، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

واژه شهروندی مفهوم بسیار مفیدی برای تحلیل جریان‌های مشترک اجتماعی و سیاسی است. زیرا که مؤلفه‌های آن از قبیل مسولیت‌ها، حق‌ها و مشارکت، عناصر حیاتی و محوری هر نظامی که مدعی دموکراتیک بودن است، می‌باشد. لذا چنانچه فردی احساس تعلق به هویت خود را به عنوان شهروند داشته باشد، آنگاه مشروعیت حکومت به شکل جدی تضمین خواهد بود. همچنین در این ارتباط نهادهای سیاسی موجود می‌توانند برقرار باشند و بهبود یابند. از طرف دیگر چنانچه ارزش‌های شهروندی انکار شود یا بسته بماند، حکمرانی نیز ناپایدار خواهد شد. یکی از اصطلاحات و عبارات سیاسی - اجتماعی که در دهه های اخیر، توسط متخصصان و اندیشمندان حوزه مربوطه بسیار مورد توجه و دایر مدار تمرکز و استفاده واقع شده است اصطلاح جامعه مدنی می‌باشد. توجه به جایگاه جامعه مدنی در کشور حائز اهمیت است، زیرا از منظر دموکراسی مشارکتی در رابطه با تصمیم‌هایی که به وضعیت زندگی مردم مرتبط است، باید سهیم باشند، بنابراین انسان شهروندی است که جایگاه و حقوق مشخصی دارد. پدیده شهروندی در بسترهای مختلف اجتماعی صورت‌هایی متفاوت یافته است. نهاد شهروندی را باید جزئی اساسی از مجموعه نهادهایی دانست که منظومه نهادی جامعه مدرن را می‌سازند و از این رو رابطه نزدیکی با پدیده‌های مدرنی چون شهرنشینی و دولت - ملت دارد. لذا برخی از صاحب‌نظران نهادمند شدن شهروندی را از شروط لازم برای تحقق مدرنیته سیاسی دانسته‌اند. گام اول در محقق شدن دموکراسی مشارکتی، صرف‌نظر از مذهب، نژاد، زبان، رنگ پوست و .. تأمین کامل حقوق سیاسی و نمایندگی برای تمام اقشار جامعه می‌باشد. چنانچه قسمتی از مردم یک جامعه به هر دلیل از این حقوق محروم شوند و یا به هر دلیلی در مورد فشر خاصی تبعیض ناروایی صورت گیرد باعث می‌شود تا فلسفه دموکراسی مشارکتی زیر سوال برود. در این زمان یکی از ابزارهای تحقق بخشیدن به فلسفه دموکراسی مشارکتی، جامعه مدنی است. برای اینکه ظرفیت‌های انسانی بتوانند خودگردان شوند جامعه مدنی تأثیر بسزایی دارد و با استفاده از نمایندگی سیاسی بر کارهای دسته‌جمعی می‌تواند تأثیر داشته باشد. جامعه مدنی در بهبود سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش زیادی ایفا کند و از طریق کانال‌ها و

منابع اطلاعاتی لازم، باعث بالا بردن میزان توانمندی شهروندان شده و در نتیجه ارگان‌های دولتی را مجبور به پاسخگویی نماید. جامعه مدنی موجب بالا رفتن تفکر و ارتباطات عمومی شده و می‌تواند با ارتقای مهارت‌های سیاسی، مهارت‌های مذاکره، چانه‌زنی، تشکیل ائتلاف‌ها و ... را افزایش دهد. بنابراین از مطالبی که تبیین شد می‌توان به اهمیت و جایگاه جامعه مدنی و نقشی که می‌تواند در تحقق حقوق و رفع نیازهای مردم به عنوان محوری اساسی در کشور داشته باشد پی برد. از آنجایی که جامعه مدنی در احیای حقوق عامه و شهروندان نقشی چشمگیر و غیرقابل انکار ایفا می‌کند. ابعاد مختلف این بحث و مسائل و موضوعات مرتبط با آن از جمله موانع گسترش جامعه مدنی در ایران، مورد کندوکاو باید قرار گیرد زیرا بیش از یک قرن است که مباحث مربوط به قانون‌گرایی، نهادهای مدنی و استقرار جامعه مدنی در کشور ایران مطرح است. در این مدت تحقیقات، مقالات، سمینارها و مطالعات زیادی در این خصوص صورت گرفته، اما آنچه در عمل جامعه شاهد آن بوده، عدم استقرار روابط، مناسبات و نهادهای مدنی بوده است. بنابراین در پژوهش حاضر سعی بر آن است که موانع موجود بر سر راه گسترش جامعه مدنی مورد مذاقه واقع شود.

چهارچوب نظری و تعاریف مفاهیم

مفهوم جامعه مدنی

از جنبه تاریخی مفهوم جامعه مدنی در اندیشه سیاسی در پنج معنای متفاوت به کار رفته است: (۱) در اندیشه ارسطویی جامعه مدنی به معنای دولت در مقابل خانواده می‌باشد و در اندیشه اصحاب به معنای قرارداد اجتماعی در مقابل وضع طبیعی می‌باشد (۲) از منظر افرادی مانند آدام فرگوسن در کتاب درباره تاریخ جامعه مدنی منظور جامعه متمدن در مقابل جامعه ابتدایی می‌باشد (۳) از منظر هگل منظور شکل اولیه کامل شدن دولت می‌باشد (۴) از منظر مارکس مفهوم جامعه مدنی عبارت است از حوزه روابط اقتصادی و مادی و علاقه‌های طبقاتی و اجتماعی در مقابل دولت (۵) از منظر گرامشی جامعه مدنی قسمتی از روبنا و مرکز تشکیل

قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی فکری طبق حاکمه می‌باشد (قاضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۸).

آنچه امروزه اندیشمندان درباره معنا و کاربرد جامعه مدنی بر آن اتفاق نظر بیشتری دارند و بیشتر این معانی در ذهن خطوط می‌کند این است که می‌گویند جامعه مدنی بخشی از زندگی عمومی انسان‌ها که مستقل از دولت است و در قالب انجمن‌ها، اصناف، احزاب، گروه‌ها و مجامع فرهنگی جریان می‌یابد و حلقه وصل بین فرد و دولت است (میرزایی، ۱۳۹۹: ۳۵). مطابق این معنا سه عنصر برای جامعه مدنی شمرده می‌شود: ۱- عنصر اول عبارت است از اقتصاد بازار. ۲- عنصر دوم رسانه‌های عمومی مستقل. ۳- عنصر سوم شبکه‌های پر رونق تشکلی‌های خودجوش در تمام زمینه‌های زندگی اجتماعی اعم از انجمن‌ها و مؤسسات خصوصی یا مدنی، فرهنگی و یا اجتماعی. بنابراین آنچه مورد نظر از جامعه مدنی است و بر آن وفاق بیشتری هست، سازمان‌ها و مؤسساتی است که حلقه وصل بین دولت و ملت است و در مقابل جامعه توده‌ای و توده‌وار قرار دارد (خرمشاد و کرد، ۱۳۹۸: ۸۸). جامعه توده‌وار جامعه‌ای است که همبسته نیست و از مشخصات جوامع توتالیتر است، جوامعی که توده‌ها در آن در خدمت دولت هستند و دولت آن‌ها را بسیج می‌کند و به کار می‌گیرد مانند توده‌هایی از شن و ماسه که از آنها یک ساختمان می‌سازند. در جامعه توده‌ای هدف دولتمردان این است که فرد را به خدمت خود بگیرند؛ در مقابل مفهوم جامعه مدنی در واقع این است که از طریق سازمان و تشکل و حزب از پایین به بالا دولت را می‌سازد و دولت به قدرت می‌رسد و گفتمان بین دولت و ملت از طریق این سازمان‌های مستقل شکل می‌گیرد که از این سازمان‌های مستقل نیز به عنوان جامعه مدنی تعبیر می‌کنند. پس جامعه مدنی به وجود آورنده و تأسیس کننده دولت به معنای معاصر آن می‌شود. دولت مولود این جامعه و این سازمان‌های مستقل است و این برخلاف جامعه توده‌ای است (بشریه، ۱۳۷۴: ۸۴). علاوه بر این معنی از جامعه مدنی، در سیر و تحول و تکون خود جامعه مدنی یک معنای دیگری نیز به خود گرفته است، وقتی که می‌گویند جامعه مدنی بیشتر حقوق ملت و به تعبیر دیگر حقوق شهروندان و حقوق

افراد تابع یک کشور مطرح است. حقوق ستیزن شیپ، ستیزن‌ها، افراد شهروند مطرح است (ساجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۶).

هگل در تعریف جامعه مدنی چنین تبیین می‌کند که جامعه مدنی مانند نظام حاکم بر بازار است که در آن مبادله کالا و کار انجام می‌شود (گرامشی، ۱۳۸۴: ۹۶). به نظر الکسی دوتوکوبل جامعه مدنی یک مجموعه از نهادهای مستقل و انجمن‌های داوطلبانه است که دولت نقشی در شکل‌گیری آنها ندارد اما تهادهای اجتماعی متناسب با دموکراسی از این نهادها حمایت می‌کنند (شیاری و فرهنگی، ۱۳۹۸: ۷۳۰). در ایران برای جامعه مدنی دو دسته معنا و تعریف وجود دارد: در دسته اول که به اعتقاد محققین تعریف بهتری می‌باشد جامعه مدنی، عبارت است از جامعه‌ای است قانونمند، شفاف، حافظ حقوق مردم، مبتنی بر حاکمیت ملی، توزیع‌کننده قدرت بر اساس چهارچوب احزاب و شوراها و مبتنی بر قراردادهای اجتماعی. در این تعریف زمانی که از واژه اصطلاح جامعه مدنی استفاده می‌شود به کل جامعه اشاره دارد (علیجانی، ۱۳۹۲: ۱۰). بر اساس این تعریف جامعه مدنی یک شهر آرمانی است و از آنجا که جوامع اطراف و جامعه ایران با این تعریف زیاد فاصله دارند بنابراین نتیجه می‌گیریم در این جوامع، جامعه مدنی وجود ندارد. اما بر اساس تعریف دیگری از جامعه مدنی که در ادبیات سیاسی غرب حاکم بوده و اکثر محققین آن را تایید کرده‌اند، جامعه مدنی عبارت است از فضای موجود بین دولت و خانواده (مک لین، ۱۳۸۱: ۱۹۸). با توجه به مطالب فوق، جدای از دخالت مستقیم دولت و در ترکیب با ارگان‌های عمومی، جامعه مدنی حوزه‌ای از روابط اجتماعی می‌باشد. جامعه مدنی مکانی برای قدرت اجتماعی و دولت مکانی برای قدرت سیاسی می‌باشد (بشریه، ۱۳۸۲: ۵۶۷). بنابراین به طور کلی می‌توان چنین عنوان کرد که جامعه مدنی دارای دو معنا است، یک معنا؛ عبارت است از سازمان‌های به وجود آورنده دولت مثل احزاب، اصناف و اقشار دیگر (احزاب اعم از احزاب سیاسی است) که حلقه رابطه بین دولت و ملت هستند و این معنای سازمانی آن است. و یک معنای دومی دارد جامعه مدنی در سیر تطور خود که جامعه مدنی می‌شود مساوی با حقوق شهروندان، این یک نگرش حقوقی، سیاسی است به جامعه مدنی که جامعه مدنی با حقوق ملت هم ردیف است. لذا می‌توان گفت که در کامل‌ترین

تعریف و تبیین معنایی از جامعه مدنی، دو رکن اساسی و اصلی وجود دارد یکی بحث حقوق ملت و دیگری وجود احزاب، اصناف و تشکل‌های سیاسی و... است.

نقش جامعه مدنی در استیفای حقوق شهروندی

در جامعه مدنی سازمان‌های مردم نهاد در تحقق حقوق شهروندی نقش بسیار پررنگی دارند و این نقش باید به رسمیت شناخته شود. درحالی که در ایران برای ایجاد تشکل‌های مردم نهاد قانون وجود دارد، در سطح دنیا این نهادهای مدنی حلقه واسط بین شهروند و حکومت هستند و به صورت مستقل و با قدرت، حقوق شهروندان و تعهدات حاکمیت را دنبال می‌کنند. تقویت جوامع مدنی مکمل منشور حقوق شهروندی است که به صورت غیرمستقیم به نزدیکی بین حکومت و شهروندان و در نهایت افزایش اعتماد اجتماعی منجر می‌شود (علیجانی، ۱۳۹۲: ۱۰). بحث احزاب که از مباحث مهم حوزه علوم سیاسی است، در عالم حقوق در حقوق عمومی می‌گنجد. در واقع می‌توان گفت رابطه احزاب و حقوق عمومی یک رابطه دوسویه است؛ به طوری که حق بر تشکیل و فعالیت احزاب در زمره حقوق عمومی است و از طرفی نیز احزاب در تحقق حقوق عمومی نقش مهمی ایفا می‌کنند. استیفای حقوق عمومی به ویژه حقوق شهروندی که از زیر مجموعه‌های آن محسوب می‌شود؛ از عوامل دستیابی به توسعه می‌باشد. از طرفی دستیابی شهروندان به حقوق شهروندی در کشورهای توسعه یافته بیشتر است. از این رو می‌توان گفت تحقق حقوق شهروندی پیش‌نیاز تحقق توسعه در کشورها می‌باشد. از آنجا که احزاب در تحقق حقوق شهروندی تأثیرگذار هستند، می‌توان گفت توسعه احزاب منجر به توسعه حقوق شهروندی در جامعه می‌شود (احمدی، ۱۳۹۳: ۴۵). از جمله زیرمجموعه‌های جامعه مدنی که می‌تواند در استیفا و ارتقای حقوق شهروندی نقش داشته باشد کانون‌های روشن فکری است که به تعبیر برخی این کانون‌ها در ایجاد زمینه‌های جنبش اصلاحات سال ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۴ در کشور نقش داشته‌اند که می‌توان به کانون‌هایی از قبیل کانون روشن فکری دینی روحانی و روشن فکری دینی و... اشاره نمود (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۱۱). از دیگر گروه‌ها و سازمان‌هایی که در جامعه مدنی برای استیفای

حقوق شهروندی فعالانه در صحنه هستند سازمان‌های غیر دولتی هستند که می‌توان آنها را به عنوان سازمان‌های واقعی جامعه مدنی در ایران به حساب آورد که برای تأثیر بر سیاست-گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به موضوع‌های خاص و ایجاد حمایت اجتماعی مرتبط با آنها در میان مردم و سازمان‌های هم فکر تلاش می‌کنند از جمله سازمان‌های غیردولتی که جهت‌گیری آموزشی دارند می‌توان به تشکل‌هایی نظیر انجمن‌های فرهنگی، هنری و باشگاه-های دختران اشاره کرد این گروه از سازمان‌ها، موضوع‌های فنی و حرفه‌ای و هنری و فرهنگی و ... را به شهروندان آموزش می‌دهد (زیباکلام و سعیدی، ۱۳۹۷: ۱۹۵). این سازمان‌ها برای دفاع از حقوق و اعضای خود و شهروندان در مقابل دولت فعالیت می‌کنند. همانطور که ملاحظه شد اصناف و تشکل‌ها و احزاب فعال در جامعه مدنی از طرق مختلف در ارتقا و استیفای حقوق مردم در قالب، حقوق زنان، حقوق بشر، حقوق شهروندی و ... نقشی کلیدی ایفا کرده و به طور مستقیم و غیر مستقیم در این راستا عمل نموده و فعالیت‌هایی خاص انجام می‌دهند. در ارتباط با نقش جامعه مدنی در استیفای حقوق شهروندی می‌توان چنین تشریح نمود که به نظر می‌رسد بر اساس تجربه‌های موفق در کشورهای مختلف دنیا، برای استیفا و ارتقای حقوق شهروندی باید جوامع مدنی شامل مطبوعات، تشکل‌های غیردولتی، احزاب و گروه‌های مختلف صنفی تقویت شود و جامعه مدنی از این طریق می‌تواند نقش خود را ایفا کند.

پیشینه تحقیق

با توجه به مطالعات صورت گرفته، مشاهده گردید که در خصوص شناخت موانع موجود بر سر راه گسترش و بسط جامعه مدنی با تمرکز بر ایران مطالعات اندکی صورت گرفته است و نیز در ارتباط با دولت و جامعه مدنی و ارتباط آن با سایر متغیرهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به طور مستقیم و غیرمستقیم، پژوهش‌های صورت گرفته است که به آنها مختصراً اشاره می‌گردد. ساجدی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود در زمینه شکل‌گیری احزاب و اهدافی که احزاب سیاسی و جامعه مدنی به دنبال آن هستند، به بحث و بررسی پرداختند و

دریافتند که بسیاری از فعالیتهای انسان در عرصه‌های مدنی می‌باشد و جوامع مدنی عهده‌دار این وظایف هستند، از این رو، جامعه مدنی از اساسی‌ترین نهادها می‌باشد و دریافتند که انقلاب اسامی را می‌توان گامی به جلو در تقویت جامعه مدنی ایران دانست، اما اساساً سازمان‌ها و نهادهای مدنی به مفهوم متداول آن، هنوز در ایران توسعه نیافته است. علت این امر، محدودسازی فعالیت آن‌ها و قرار دادنشان زیر سایه‌ی نگاه سیاسی-امنیتی می‌باشد. قاضی زاده و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه کاربرد نظریه کوانتوم در تحلیل جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه دست یافتند که از روش کوانتومی به عنوان رویکردی فرارشته‌ای و تلفیقی از روش‌شناسی توصیفی-تفهیمی-گفتمانی، برای تحلیل وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری شد و با تحلیل کوانتومی، نشان داده شد که تحت تأثیر «ابزارهای نوین ارتباطی، ارتباطات شبکه‌ای، خاصیت غیرجایگزیدگی، عدم قطعیت و درهم‌تنیدگی»، سطح بازیگری کنشگران فراملی و ملی، نوسانات بسیاری را تجربه کرده است. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که این وضعیت، به معنای تحقق جامعه مدنی مشارکتی نیست؛ بلکه نوعی «جهش کوانتومی» اجتماعی در حال وقوع است که همانند تأثیرات «جهش ژنتیکی»، می‌تواند تبعات ناخوشه‌ای به جامعه تحمیل کند و در کوتاه‌مدت، وضعیت «بی‌هنجاری»، و در میان‌مدت، فرو ریزش اجتماعی را به دنبال داشته باشد. شیاری و فرهنگی (۱۳۹۸) در مطالعه خود درصدد پاسخگویی به این سؤال بودند که اساساً سیاست چه تأثیری بر روند توسعه‌ی سیاسی و به دنبال آن، تحقق جامعه‌ی مدنی منتج از آن در ایران داشته است. نتایج این مطالعه نشان داد که وابستگی دولت به نظام ایل تباری، رویکرد مبتنی بر تابعیت به آحاد جامعه، هم‌پذیری، عدم تکثرگرایی و روشنفکری معیوب ناشی از روشنفکران ناکارآمد، از جمله علل عمده و مؤثر در عقیم ماندن فرایندهای توسعه‌ی سیاسی و به تبع آن، عدم تحقق جامعه‌ی مدنی در ایران بوده است که یا بر دولت تحمیل شده یا به عنوان سیاست متخذه از سوی آن در کشور اعمال شده و عرصه‌ی فعالیت و تلاش دولت را به منظور تحقق توسعه‌ی سیاسی در کشور محدود کرده است. جان لاک و هابز (۱۹۷۴) تفکرات جدید خود را در کتاب، «دو رساله در باب حکومت مدنی» بیان می‌کنند که تاسیس جامعه مدنی و سیاسی را

بهترین درمان نابسامانی‌های ناشی از وضع طبیعی داشته است که در آن انسان‌ها با صرف نظر کردن از آزادی، مالکیت و دیگر حقوق طبیعی خود از آزادی و حقوق مدنی بهره مند می‌شوند. به عقیده وی حکومت و قدرت فردی هر دو باید در جامعه مدنی محدود باشند. یکی از مهمترین وجوه توسعه سیاسی نیز، وجود جامعه مدنی (مستقل) است، یعنی مجموع نهادهایی که بدون کمک گرفتن از دولت به نقد حاکمیت می‌پردازند و حامی آزادی هستند. بشیریه (۱۳۷۴)، در کتاب «جامعه‌شناسی سیاسی» می‌گوید، امروز جامعه مدنی در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، موسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی را در برمی‌گیرد، جامعه مدنی حوزه روابط اجتماعی و دولت حوزه‌ی روابط سیاسی است. مجتهدی (۱۳۶۳)، در کتاب فلسفه نقادی کانت، می‌نویسد، کانت با زیرسوال بردن تجربه‌گرایی، قصد دارد که به انسان دوران روشنگری بفهماند که آنچه او از تجربه می‌آموزد حقیقت نیست و آنچه هست علم، دانش و اخلاق است. بنابراین در همین خصوص تعدادی از اندیشمندان بر این عقیده هستند که گرایش کانت سبب شده بیشتر به متفکری فردگرا بدل شود و چه در ترسیم تفکرات خود درباره جامعه مدنی و دولت و چه در مورد اندیشه در حیطه بین‌المللی نتواند موانع حقوق و خواسته‌های افراد باشد.

فلسفه سیاسی جامعه مدنی در ایران

چنانچه جامعه مدنی، حاصل تعامل کنش و ساختار در نظر گرفته شود: یک واقعه عبارت است جایی که کنش و ساختار با هم منطبق می‌شوند به عبارت دیگر یک لحظه شدن می‌باشد، در این هنگام باید گفت که در اندیشه سیاسی دولت در ایران رابطه واقعه و لحظه شدن به نگاهی بستگی دارد که به نوع انسان شده است و معمولاً این نگاه جایگاه و نقش انسان را از نظر میزان، کیفیت و نوع مداخله انسان در جامعه مشخص می‌کند (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۷): (۱۷۲)؛ به سخنی دیگر، در هر تفکر سیاسی رابطه بین فرمانروا و فرمانبر با فرد و دولت از قبل تعریف شده و چهارچوب مشارکت و نقش افراد در عرصه سیاسی کاملاً معلوم است. چنانچه

به تاریخ گذشته ایران مراجعه شود، مشاهده می‌گردد که به انسان از جنبه قومی نگاه شده است؛ به عنوان مثال این اصل: «که شاه سایه خدا می‌باشد، به این موضوع اشاره می‌کند که در حالی که پروردگار بر بشر الوهیت دارد، بر روی زمین نیز شاه این حق را دارد و مردم کشور در برابر او هیچ اختیار و قدرتی ندارند. یا برخی فقها اعتقاد دارند» (ملک‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۵: ۹۲).

از این دیدگاه، انسان موجودی ناتوان، نادان و درمانده است. بنابراین نیاز دارد که به او کمک شود و علی‌رغم بلوغ فکری لازم است کسانی که فاقد این نقایص هستند او را رهبری و هدایت کنند. با توجه به این مطلب بحث اقتدار و قدرت مطرح می‌شود و حق اقتدار به افرادی اختصاص داده می‌شود که یا از جانب سنت مشروعیت دارند یا از سوی منابع مذهبی و شرع تأیید می‌شوند (بیات و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷). بر این اساس در چهارچوب ساختاری ایران، یک نفر به عنوان سلطان زمام امور را در دست دارد و با تکیه بر اقتدار خاندانی بر جامعه حکومت می‌کند، یا از طرف نظام مذهبی حاکمی مشروعیت می‌یابد (مجتهدی، ۱۳۶۳: ۷۲). در جامعه ایران خدا و پیامبر داور نهایی می‌باشند بنابراین الزاماتی برای افراد به وجود می‌آید اما در جامعه مدنی غرب اکثریت مردم داور نهایی هستند بنابراین رابطه کنش و ساختار و تلاقی این دو موجب شکل‌گیری جامعه مدنی از نوع غرب شده است (سبزه‌ای، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

موانع موجود بر سر راه توسعه و گسترش جامعه مدنی

فلسفه زیربنایی دموکراسی مشارکتی آن است که مردم باید در تصمیماتی که به زندگی آن‌ها مربوط می‌شود، سهمیم باشند، لذا انسان به عنوان یک شهروند با حقوق و جایگاه مشخص مطرح است و مفهوم شهروندی از ورای حوزه عرفی سیاست به تمام نهادها گسترش می‌یابد (ساجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۳). تقدم در تحقق دموکراسی مشارکتی تأمین حقوق کامل سیاسی و نمایندگی برای همه‌ی قشرهای جامعه، صرف نظر از ملاحظات قومی، رنگ، زبان، مذهب، نژاد و... است (زیباکلام و سعیدی، ۱۳۹۷: ۱۹۵). اگر قرار باشد به هر دلیلی بخشی از جمعیت یک جامعه از این حق محروم باشد و یا تبعیض ناروایی به هر عنوان در مورد گروه

خاصی اعمال شود آنگاه فلسفه دموکراسی مشارکتی زیر سوال می‌رود. جامعه مدنی به عنوان ابزار مهم تحقق دموکراسی مشارکتی می‌تواند از طریق زمینه‌های زیر گام‌های زیادی بردارد:

- جامعه مدنی در ارتقا و حمایت از ظرفت‌های انسانی برای خودگردانی اثربخش است و می‌تواند از طریق نمایندگی سیاسی بر روی اعمال جمعی تأثیرگذار باشد (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۱۱).

- جامعه مدنی می‌تواند از طریق مشارکت شهروندان سطح اعتماد و همکاری را افزایش داده و با افزایش مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی، حقوق و تکالیف سیاسی مردم را روشن سازد. همچنین جامعه مدنی می‌تواند در تقویت سرمایه‌ی اجتماعی نقش بسزایی ایفا نماید و با ایجاد کانال‌ها و منابع اطلاعاتی لازم، توانمندسازی شهروندان را افزایش و نهادهای دولتی را پاسخگو نماید (شیاری و فرهنگی، ۱۳۹۸: ۷۳۲).

- جامعه مدنی باعث ارتقا تفکر و ارتباطات عمومی می‌شود و به عنوان نماینده‌ی عامه مردم عمل کند و می‌تواند با ارتقای مهارت‌های سیاسی، مهارت‌های مذاکره، چانه‌زنی، تشکیل ائتلاف‌ها و... را افزایش دهد (ملک‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۵: ۹۲).

بنابراین از مطالبی که تبیین شد می‌توان به اهمیت و جایگاه جامعه مدنی و نقشی که می‌تواند در تحقق حقوق و رفع نیازهای مردم به عنوان محوری اساسی در کشور داشته باشد پی برد. در ادامه به طرح و تبیین موانع موجود بر سر راه بسط جامعه مدنی و سپس به تشریح راه‌های گسترش جامعه مدنی در ایران پرداخته خواهد شد:

۱. عدم اصلاحات لازم و اساسی در فرم‌اسیون اجتماعی و تقابل میان جامعه سنتی قدیم و جامعه جدید امروزی (تجدد)

از موانع مهم رشد و گسترش جامعه مدنی و به دنبال آن توسعه احزاب و ... را می‌توان عدم وجود تغییرات پایه‌ای و اساسی در فرم‌اسیون اجتماعی، و مقابله بین سنت و تجدد عنوان کرد که به علت عدم تغییرات محدودی که در این زمینه صورت گرفته و می‌گیرد (کلین^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۷۲)؛ با این توضیح و تشریح که یکی از ریشه‌های تاریخی موفق نبودن

^۱ Klein

جامعه مدنی و عدم گسترش آن و همچنین عدم موفقیت احزاب در ایران آن است که بر خلاف اروپای پس از دوران رنسانس در ایران تغییر و تحولات صورت بندی های اجتماعی زیربنایی و بنیادی نبوده است (علیجانی، ۱۳۹۲: ۱۰). اما در اروپای پس از رنسانس، در پی رخدادهایی از قبیل زوال فئودالیسم و بروز و حضور سرمایه داری، گروه های اجتماعی متفاوتی پدیدار شد که هر یک جهت رسیدن به قدرت سیاسی و به دست آوردن سهم بیشتری از درآمدهای اقتصادی، با هم رقابت می کردند. در صورتی که صورت بندی های اجتماعی در کشور ایران تا نیمه قرن بیستم دستخوش تحولاتی آنچنان نشد و پایه و زیربنای اقتصاد ایران همچنان، دولتی بوده و دولت به عنوان بزرگترین کارفرما عمل می کرد (گرامشی، ۱۳۸۴: ۹۶). حتی اصلاحات ارضی، که در اوایل دهه ۱۳۴۰ توسط رژیم شاه با هدف اضم حلال نظام ارباب- رعیتی انجام شد و در آن بیشتر کسب وجهه برای رژیم مد نظر بود، نتوانست در آن فرماسیون تغییرات چندانی ایجاد کند (زیباکلام و سعیدی، ۱۳۹۷: ۱۹۸). از موانع دیگر تاریخی، اجتماعی و سیاسی که همیشه در جوامع سنتی وجود داشته است، درگیری مستقیم و غیر مستقیم میان سنت و تجدد است و جامعه مدنی و تشکیل احزاب پدیده ای جدید است و طبیعتاً جامعه و ساختار سنتی از آن استقبال نکرده و نخواهد کرد (احمدی، ۱۳۹۳: ۴۹). جوامع سنتی تقریباً همیشه با پدیده های نوین حالت تقابلی و تدافعی دارد و کمتر به این گونه تغییرات روی خوش نشان داده است. که ابتدا نا در بین مردم و طبقات مختلف دولت و ملت جبهه گیری خاصی در این باره صورت گرفته، اما بعد از گذشت مدت زمانی مردمان جامعه به دنبال آن رفته و در پی تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف آن پدیده می روند که البته تاریخ گویای این درگیری ها بوده است (بشریه، ۱۳۸۲: ۵۶۹).

در تشریح مبسوط تر موضوع مذکور لازم به ذکر است که؛ یکی از اجزای صورت بندی های اجتماعی در جامعه مدنی تشکیل احزاب سیاسی می باشد که احزاب سیاسی با کارکردهایی از قبیل گسترش مشارکت سیاسی، ایجاد مشروعیت، یکپارچگی ملی، مدیریت منازعات، آموزش های سیاسی و جامعه پذیری سیاسی، می توانند در شکل دهی و گسترش جامعه مدنی

موثر واقع شوند (هگر^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۲). از سویی جامعه ایران در این مقطع از تاریخ نیازمند توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. البته در این مسیر موانعی از قبیل قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی قابل مشاهده می‌باشد که در سطوح کوچک از جمله شهرها این مقوله طایفه‌گرایی علاوه بر اینکه در تنافی با احزاب فعالیت می‌کند حتی در بسیاری از موارد جای آنها را گرفته و بلکه جایگزین آنها شده‌اند؛ لذا با پذیرش این که چنین حالتی نوعی بیماری اجتماعی و چالشی عمده در راه توسعه متوازن و همه جانبه است آثار منفی و عوارض مخربی را که فرهنگ طایفه‌ای و عشیره‌ای در گسترش جامعه مدنی بر جای می‌گذارد غیر قابل انکار می‌باشد (ملک‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۵: ۹۶). اما حسب واقع تاریخ ایران به صورت متعدد شاهد کشمکش‌های قبیله‌ای بوده و این وضعیت بر ذهنیت تاریخی، فرهنگ و سیاسی تاثیر بسزایی گذاشته و در حقیقت رفتار سیاسی آنان را تشکیل داده و همین مساله موجب تجزیه و تحلیل - های تفکری، و تصمیم‌گیری نادرست سیاسی شده است به طوری که نفع قبیله و طایفه و عشیره بر مصلحت جامعه و شهر برتری می‌یابد. همچنین عامل خویشاوندی به عنوان یکی از منابع قدرت، مانع جدی بر سر راه شایسته‌سالاری واقع می‌شود و در چنین شرایطی تعصبات مورد اشاره، مانع از وفاق اجتماعی و مشارکت‌های مدنی و سیاسی سالم می‌شود. این وضعیت بی‌گمان با تمدن و دنیای مدرن در تناقض است. این عصبیت و برتری طلبی طایفه‌های جریان فکری و سیاسی را به نام طایفه‌گرایی و قبیله‌گرایی ایجاد می‌کند که با توجه به تغییر و تحولات جامعه کنونی و مطرح شدن موضوع جامعه مدنی یکی از موانع عدم بسط و گسترش جامعه مدنی همین موضوع است (عبداللهی و بشری، ۱۳۹۴: ۱۳).

بنابراین شایان ذکر است که یکی از موانع موجود بر سر راه گسترش و فعالیت جامعه مدنی عدم ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین در فرم‌اسیون اجتماعی است آن هم به دلیل اینکه ایجاد تغییرات در جوامع سنتی می‌توان گفت تقریباً و به صورت همیشگی با نوعی نارضایتی و عدم استقبال همراه و توأم بوده است و از سویی دیگر یکی از این صورت‌بندی‌های جدید تشکیل احزاب می‌باشد که از زیرمجموعه‌های جامعه مدنی محسوب می‌شود و به دلایلی از قبیل

¹ Hegre

برتری فرهنگ قوم و قبیله‌گرایی در بسیاری از مناطق کشور اقبالی از تشکیل و تقویت فعالیت این احزاب نشده است و به دنبال آن همین مساله تا حدودی بر گسترش نیافتگی جامعه مدنی تاثیرگذار می‌باشد.

۲. عدم شناخت عامه مردم نسبت به جایگاه جامعه مدنی و عوامل و گروه‌های سیاسی

تشکیل‌دهنده آن

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سطح و کیفیت مطالعه و افزایش اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور افزایش یافت و بالا رفتن سطح معلومات و سواد و تحصیلات عامه مردم در جامعه امروز، موضوعی است که مختص دو سه دهه اخیر در تاریخ معاصر ایران می‌باشد و این واقعیت دارد که بعد از انقلاب اسلامی، بینش و توجه سیاسی عموم مردم بالا رفته، ولی در دهه‌های گذشته و با توجه به نوپا و جدید بودن جامعه مدنی، حزب و ادبیات سیاسی مربوط به آن، اقشار عظیمی از جامعه نسبت به جایگاه جامعه مدنی و احزاب و گروه‌های سیاسی در سامان‌دهی و بهینه‌سازی ساختار سیاسی کشور بی‌اطلاع بودند و حتی بسیاری از باسوادان و مطلعان سیاسی نیز نسبت به جایگاه این مقوله و تاثیرات آن در پیشرفت کشور در جنبه‌های مختلف مردد بودند تا جایی که این بی‌اطلاعی و تردیدها هنوز نیز در بخش‌هایی از عوام و خواص طبقات اجتماعی وجود دارد و بخشی از بدبینی‌ها و ذهنیت‌های نامطلوب تاریخ یجامعه نسبت به جامعه مدنی، از همین بی‌اطلاعی‌ها و تردیدها ناشی می‌شود (ساجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۵). از دلایل دیگر این بدبینی‌های تاریخی عموم مردم نسبت به جامعه مدنی احزاب می‌توان به این مسئله اشاره نمود که عملکرد و برنامه‌های نظری، تئوری و عملی جامعه مدنی با سنن، آداب و اعتقادات عمومی و مذهبی، هم سو و مطابق و همگرا نبودند (خرمشاد و کرد، ۱۳۹۸: ۹۱). در این باره به طور نمونه، سعید حجاریان عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی در این باره گفته است: «در جامعه ما خاطره سیاسی - اجتماعی مطلوبی از حزب گرایی وجود ندارد، اگر بخواهیم علت‌های آنرا ریشه‌یابی کنیم، علاوه بر ریشه‌های ساختاری و اجتماعی به ریشه‌های تاریخی آن نیز می‌توان اشاره کرد. یک بدبینی سیاسی همیشه در تاریخ کشور وجود داشته است، مشکلات تاریخی و ساختاری

جامعه مدنی و احزاب موجب شدند که تشکل‌های سیاسی نتوانند روند نهادینه کردن خود را طی کنند و مورد اقبال عمومی قرار گیرند، که البته بخشی از آن نیز ناشی از عملکرد بد برخی احزاب در گذشته بوده است» (میرزایی، ۱۳۹۹: ۳۶). بنابراین همانطور که اشاره شد از دیگر عواملی که بر سر راه بسط و گسترش جامعه مدنی در کشور وجود عدم اطلاعات کافی و مفید مردم نسبت به این پدیده و مقوله و بدبینی آحاد مردم نسبت به آن می‌باشد که البته می‌توان یکی از دلایل آن را عدم همسویی عملکرد و برنامه‌های جامعه مدنی با جامعه سنتی در مواردی از قبیل سنن، آداب و افکار عمومی و ... دانست.

۳. حضور احزاب وابسته به دولت

باید بدانیم که تعداد زیادی از احزاب ایران در دهه‌های اخیر، دستوری و دولت ساخته بوده‌اند که به دلیل غیر مردمی بودن، خودجوش نبودن، نداشتن پایگاه‌های مستقل و طی نکردن فرایند تشکیل از پایین به بالا، انحرافی اساسی در مسیر تحزب واقعی در ایران به وجود آورده و موجبات بی‌اعتمادی و بدبینی بیشتر مردم را به احزاب فراهم ساخته‌اند. احزاب دستوری عمده در تاریخ یک سده اخیر ایران در سه ساختار ظاهر شده‌اند: حزب‌هایی که به یک شخص اتکا کرده و بر محور فردی تشکیل شده‌اند، حزب‌هایی که توسط کارگزاران سرشناس رژیم و با سفارش نظام حاکم به وجود آمده‌اند، احزابی که بنا بر شرایط ویژه سیاسی پدیدار شده و به عبارتی احزاب واکنشی‌اند (کولایی و کلبعلی، ۱۳۹۳: ۳۲۴). احزاب دستوری یا فرمایشی که احزاب دولت‌ساخته نیز جزء آنهاست، به آن دسته از احزابی گفته می‌شود که ریشه‌های عمیق اجتماعی ندارند و بر حسب انگیزه فردی، طبقاتی، یا خارجی به وجود آمده‌اند (مقدس و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۲). این گونه احزاب فاقد تشکیلات منسجم حزبی هستند و ایدئولوژی مدوئی ندارند. گردآوری اعضا و ایجاد ایمان حزبی و ایدئولوژیک در این نوع احزاب با مشکلات فراوانی مواجه است. این احزاب را از آن جهت دستوری می‌نامند که پایه‌های آنان اساساً طبیعی نبوده و از بطن شرایط اجتماعی سرچشمه نگرفته است. عامل ایجاد این گونه احزاب منافع گروهی و طبقاتی و باندهای سیاسی و اقتصادی هستند (تبریز نیا، ۱۳۷۷: ۲۴۶). احزاب فرمایشی در شرایط ویژه سیاسی، یعنی موقعیتی که منافع گروهی و طبقاتی عده‌ای در

خارج یا داخل نظام سیاسی در معرض خطر قرار می‌گیرد، به وجود می‌آیند و در نتیجه، واکنش نیروهای ذی‌نفع در قالب این احزاب سیاسی در صحنه اجتماعی و در ظرف تحزب ظهور پیدا می‌کنند و به همین خاطر عمر آنها کوتاه و متناسب با میل کارگردانان‌شان و نظام سیاسی سازنده آنها تعیین می‌گردد (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۷: ۱۷۵). احزاب مهم و دولت ساخته دوران پهلوی از جمله حزب رستاخیز، ایران، ایران نوین، ملت، و ملی و نظر با تمهلیکی را به پیکر ضعیف حزب در ایران وارد نمودند. هرچند نمی‌توان از این حقیقت نیز چشم پوشید که بعد از انقلاب اسلامی هم، احزاب مهمی مانند، کارگزاران سازندگی، جبهه مشارکت اسلامی و ... را نیز کارگزاران دولتی و صاحب منصبان عالی‌رتبه نظام تأسیس نمودند (زیباکلام و سعیدی، ۱۳۹۷: ۲۲۰). در نتیجه شایان ذکر است که وجود احزاب وابسته به دولت که به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده جامعه مدنی نقشی بسیار مهم و چشمگیر را ایفا می‌کنند موجب عدم گسترش جامعه مدنی شده است چرا که این احزاب تنها تامین کننده منافع گروه و طبقه‌ای خاص از افراد و باندهای سیاسی و اقتصادی هستند و به موجب این علت این احزاب شکل گرفته و به وجود می‌آیند.

۴. وابستگی جامعه مدنی و عناصر تشکیل دهنده آن به بیگانگان

یکی از مشکلات تاریخی و موانع موجود بر سر راه گسترش جامعه مدنی که موجب بدبینی افزون تر به این این دسته تشکل‌ها می‌شود، تاثیرپذیری و در مرحله شدیدتر وابستگی بعضی از آنها به دو قطب شرق و غرب و به ویژه تحت الحمایگی آنها به شوروی یا وابستگی به مجموعه‌های فراماسونری بوده است؛ همچنان که وابستگی یکی از سه یا چهار جریان اصلی احزاب و گروه‌های سیاسی یعنی چپ‌گرایان به ایدئولوژی الحادی مارکسیستی، میان آنها و عامه مردم پاینده به اعتقادات عمیق اسلامی، فاصله افزون‌تری ایجاد کرد (قاضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۷). نفوذ قدرت‌های خارجی در ایران و وابستگی افراد و رهبران و عناصر موجد جامعه مدنی و گروه‌ها به این قدرت‌ها، از جمله عواملی بود که مانع رشد و توسعه فعالیت‌های جامعه مدنی در پویش سیر طبیعی خود که برگرفته از نیازهای اجتماعی سیاسی جامعه باشد گردیده است و نهایتاً موجب عدم گسترش و رشد جامعه مدنی شده و خواهد شد

(علمداری، ۱۳۹۹: ۵۲). به‌طور کلی نفوذ قدرت‌های خارجی را در تشکلهای دموکرات و وابسته به غرب و به‌طور مشخص‌تری در حزب توده می‌توان مشاهده کرد. خیانت‌ها، دسیسه‌ها و کارشکنی‌هایی که بر اثر پیروی کورکورانه این حزب و سایر گروهک‌های چپ، از دستورات و خط‌مشی‌های سران نظام سوسیالیستی شوروی سابق در مسائل و صحنه‌های مختلف همچون جنگ جهانی دوم و خیانت سران احزاب کمونیست در شمال و غرب کشور، مسائل نفت شمال در دهه ۱۳۲۰ و سپس مسأله ملی شدن صنعت نفت و جریان‌ات دوران انقلاب اسلامی و ... انجام شد، سبب افزایش بدبینی و بی‌اعتمادی تاریخی نسبت به احزاب در ایران شد (احمدی، ۱۳۹۳: ۴۴).

اما با تثبیت جمهوری اسلامی در اوایل دهه ۱۳۶۰ و انحلال بسیاری از گروهک‌ها و احزاب چپ‌گرا و ترک وطن عده‌ای از اعضای آنها، مداخله و نفوذ همسایه شمالی در جریان‌های حزبی نسبتاً فروکش کرد که البته با فروپاشی شوروی سابق این امر سرعت و استمرار یافت، اما در دهه اخیر، کشورهای غربی با رهبری و سردمداری ایالات متحده آمریکا برای نفوذ و مداخله در جریان‌های حزبی داخلی تلاش بسیار روزافزونی نموده‌اند تا به زعم خویش به وسیله این احزاب و جریان‌های روشنفکری و نخبه‌نما، طرح براندازی و انقلاب‌های مخملین اجرا شده در بعضی از جمهوری‌های شوروی سابق و همسایگان روسیه فعلی نیز در ایران اجرا نمایند (ساجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۲). دعوت از سران بعضی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی و روشنفکری به کنفرانس‌های خارج از کشور- همانند کنفرانس برلین- با همین هدف انجام پذیرفت و متأسفانه بعضی از جریان‌های سیاسی و حزبی و اعضای این تشکلهای بدون درس گرفتن از گذشته، به این دعوت‌ها و مطالبات پاسخ مثبت دهند و با اقبال به آن آغوش گشودند و با اتخاذ روشی افراطی، خط سیر عبور از نظام را دنبال کردند که خوشبختانه تاکنون به توفیقی دست نیافته‌اند (علمداری، ۱۳۹۹: ۵۵). در نتیجه می‌توان یکی دیگر از موانع موجود در گسترش جامعه مدنی در ایران را وابستگی جامعه مدنی و عناصر تشکیل دهنده آن به افکار و ساختارهای بیگانه و الحادی دانست چرا که با این وابستگی عامه مردم که پایبند به اعتقادات عمیق اسلامی بودند در تضاد با این افکار و ساختارها قرار گرفتند

و به همین دلیل از تشکیل و بسط گسترش جامعه مدنی استقبال نکرده و در این زمینه هم سعی می‌کردند فعالیت‌های نداشته باشند.

زمینه‌ها و فرصت‌های موجود بر سر راه گسترش جامعه مدنی

حال با توجه به موانع ذکر شده به پاسخگویی به این سؤال می‌پردازیم که آیا می‌توان به گسترش جامعه مدنی امیدوار بود؟ در این راستا، لازم است ابتدا به زمینه‌ها و فرصت‌های موجود برای گسترش جامعه مدنی اشاره شود:

الف. شرایط بین‌المللی: زمانی که در دولت‌های رفاهی در دهه ۱۹۷۰ بحران ایجاد شد و نئولیبرالیسم شکل گرفته و اقتصاد کینزی پایان یافت، با محوریت دولت حداقلی و جامعه مدنی حداکثری موج سوم تجدد تشکیل شد. این موج در ابتدا در کشورهای غربی بود، اما پس از سقوط کمونیسم تدریجاً تمام جهان را در بر گرفت. در این بین عواملی مانند وقایع پبعدهس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این روند را سریع‌تر کرد و باعث شد این موج به بیشتر کشورهای خاورمیانه سرایت کند (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۱۰). به همین دلیل امروزه بیشتر کشورهای خاورمیانه به دلیل فشارهای ایالات متحده به تدریج از سیاست‌های تمرکز دست برداشته و به سمت گسترش جامعه مدنی پیش می‌روند (بشریه، ۱۳۸۲: ۷۰). بدون شک ایران نیز تحت تاثیر این تغییرات در صحنه جهانی و منطقه‌ای قرار گرفته و ماهیت تمرکزگرایانه قدرت سیاسی در آن کمرنگ خواهد کرد (کولایی و کلبعلی، ۱۳۹۳: ۳۲۳).

ب. نوسازی اقتصادی و طبقه متوسط جدید: در کشورهای در حال توسعه، نوسازی و تحولات ساختاری که در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌شود، معمولاً شرایط مساعدی را برای تکوین جامعه مدنی ایجاد می‌کند (آلبردا^۱، ۲۰۱۸: ۱۲۱۸). در ایران نیز برنامه‌های نوسازی متعدد به تشکیل و گسترش طبقه متوسط جدید در جامعه منجر شده است. در تحلیل‌های مختلف از طبقه متوسط جدید به عنوان موتور محرکه جامعه مدنی و دموکراسی

^۱ Albareda

یاد می‌شود که برای ایجاد فرهنگ سیاسی مدنی و محدود کردن قدرت و در نتیجه گسترش جامعه مدنی تمام تلاش خود را می‌کنند (اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۵).

ج. درگیری‌های سیاسی در ساختار قدرت: جمهوری اسلامی مانند اندامی با اعضای ناهمگون نمایان می‌باشد نه مانند سازمانی هرمی شکل که در این نظام، ساختار قدرت از حلقه‌های به هم پیوسته و در عین حال خود مختار- با درجات متفاوتی از قدرت- تشکیل شده است (احمدی، ۱۳۹۳: ۴۵). با توجه به اینکه هیچکدام از جناح‌ها در درگیری‌های سیاسی که در سال‌های اخیر ایجاد شده است بطور مطلق پیروز نبوده، زمینه مناسبی برای گسترش جامعه مدنی ایجاد شده است. همچنین، در این سال‌ها حمایت جناح اصلاح طلب از ارگان‌ها و سازمان‌های غیردولتی و مدنی در بسط و گسترش جامعه مدنی، مفید بوده است (سنیت^۱، ۲۰۲۰: ۷۰۶).

و. رشد رسانه‌های عمومی و شبکه وسیع ارتباط جمعی: امروزه در عرصه ارتباطات فضاهای جدیدی به وجود آمده که در اختیار حکومت نبوده و بطور مستقل اداره می‌شوند. همراه با رشد چشمگیر استفاده از اینترنت و فضاهای مجازی، بیشتر شدن کلوب‌های گروهی و وبلاگ‌های شخصی در این فضاها، جهانی شدن رسانه‌ها و تولد ماهواره‌ها و نیز گسترش ارتباطات زمینی و هوایی، ظرایف مناسبی را برای شکست ایدئولوژی‌های مخالف گسترش جامعه مدنی و در نتیجه بسط آن ایجاد می‌کند (علمداری، ۱۳۹۹: ۵۳).

با این حال و با وجود موانع جدی بر سر راه گسترش جامعه مدنی، لذا با توجه به زمینه‌ها و فرصت‌های ذکر شده، می‌توان به توسعه و گسترش بیشتر جامعه مدنی در ایران امید داشت.

¹ Senit

نتیجه گیری

از آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که اصطلاح جامعه مدنی از اصطلاحات و عبارات نوین و نوپایی است که در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های سیاسی-اجتماعی واقع شده است. اما با توجه به اینکه در سال‌های اخیر بسیار به این مقوله و ابعاد مختلف آن پرداخته شده است باز هم موانعی بر سر راه گسترش آن در جامعه وجود دارد که از جمله این موارد که در متن پژوهش مورد مذاقه و تبیین و تشریح واقع شد می‌توان به: تاثیر افکار الحادی بر جامعه مدنی و عناصر تشکیل دهنده وابستگی آن به بیگانگان، وجود احزاب رژیم‌محور و وابسته به دولت، بدبینی و ناآگاهی عامه مردم نسبت به جایگاه جامعه مدنی و عناصر تشکیل دهنده آن و عدم تغییرات پایه‌ای و اساسی در صورت‌بندی‌های اجتماعی، و مقابله بین سنت و تجدد اشاره نمود.

کتابنامه

۱. احمدی، حمید (۱۳۹۳)، «مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز»، چاپ سوم، تهران: نقش و نگار.
۲. اسلامی، حامد (۱۳۸۵)، «جامعه مدنی و ایران امروز»، مجله دانش پژوهان: شماره ۹، ص ۹۶.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، «عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاست»، چاپ اول، تهران: نگاه معاصر.
۵. بیات کمیتکی، مهناز، بالویی، مهدی و عسگرزاده مزرعه، رقیه (۱۳۹۵)، «حق بر شهروندی، گذار از وضع طبیعی به سوی جامعه مدنی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۳، شماره ۲، صص ۴۴-۲۱.
۶. تبریزینا، حسین (۱۳۷۷)، «علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران»، چاپ اول، تهران: مرکز نشر بین‌المللی.
۷. جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱)، «جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد»، چاپ اول، تهران: نشر طرح نو.
۸. خرمشاد، محمدباقر و کرد، فاضل (۱۳۹۸)، «اثربخشی طبقه متوسط جدید در تحقق مشارکت انتخاباتی در ایران (۷۶-۹۶)»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۲، شماره ۲، صص ۷۹-۱۰۹.
۹. زاهد زاهدانی، سیدسعید (۱۳۹۷)، «نقد کتاب جامعه‌ی مدنی و دموکراسی در خاورمیانه»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۸، شماره ۱۲، پیاپی ۶۴، صص ۱۸۰-۱۵۷.
۱۰. زیباکلام، صادق و رستمی، مسعود (۱۳۹۷)، «رویکرد ایدئولوژیک حزب توده نسبت به جامعه‌ی مدنی: ۳۲-۱۳۲۰»، مطالعات سیاسی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۲۱۲-۱۸۷.
۱۱. ساجدی، احمد، رحیمی، روح اله، علائی، حسین و کریمی اصفهانی، خدیجه (۱۳۹۹)، «احزاب سیاسی و جامعه مدنی با مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و آلمان»، مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۲۰۸-۱۸۲.

۱۲. سبزه‌ای. محمدتقی (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی توسعه جامعه مدنی در ایران تحلیل مقایسه‌ای دوره مشروطه با دوره انقلاب اسلامی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. دوره ۴، شماره ۲، صص ۹۷-۱۳۰.
۱۳. شیاری، علی و فرهنگی، محمد مهدی (۱۳۹۸)، «تاثیر سیاست‌های دولت بر وقوع توسعه سیاسی و شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، دوره ۲۳، شماره ۴، پیاپی ۸۱، ۷۴۴-۷۲۳.
۱۴. عبدالهی، محسن و بشیری موسوی، مهشید (۱۳۹۴)، «نقش سازمانهای جامعه مدنی در فقرزدایی»، *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۵، شماره ۵۹، صص ۳۷-۷.
۱۵. علمداری، کاظم (۱۳۹۹)، «نیش‌های اجتماعی جدید و جامعه مدنی»، چاپ اول، تهران، توسعه.
۱۶. علیجانی، رضا (۱۳۹۲). «جامعه مدنی به زبان ساده»، *ماهنامه ایران فردا*، شماره ۴۲، صص ۱۱-۱۰.
۱۷. قاضی‌زاده، شهرام، کشیشیان سیرکی، گارینه و خداوردی، حسن (۱۳۹۹)، «کاربرد نظریه کوانتوم در تحلیل جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، دوره ۳، شماره ۳، پیاپی ۱۱، صص ۱۳۶-۱۱۲.
۱۸. کولایی، الهه و کلبعلی، فرزاد (۱۳۹۳)، «موانع شکل‌گیری جامعه مدنی در روسیه»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، شماره ۲، صص ۳۳۴-۳۱۹.
۱۹. گرامشی، آنتونیو (۱۳۸۴)، «پیدایش روشنفکران»، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتاب جیبی.
۲۰. مجتهدی، کریم (۱۳۹۰)، «فلسفه نقادی کانت»، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
۲۱. مقدس، اعظم، ساعی، علی و غفاری، مسعود (۱۳۹۳)، *جامعه مدنی و تثبیت دموکراتیک: درآمدی نظری، مطالعات سیاسی*، دوره ۶، شماره ۲۳، ۵۶-۳۱.
۲۲. مک لین، ایان (۱۳۸۱)، *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*، ترجمه حمید احمدی، چاپ اول، تهران: میزان.
۲۳. ملک‌زاده، امیر و هاشمی، سید محمد (۱۳۹۵)، «ویژگی‌های جامعه مدنی در ارتباط با تحقیقات پلیسی»، *انتظام اجتماعی*، دوره ۸، شماره ۴، صص ۱۱۴-۸۵.
۲۴. میرزایی، جمشید (۱۳۹۹)، «بررسی جایگاه «جامعه مدنی» در کتب درسی؛ با تأکید بر کتب مطالعات اجتماعی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول»، *پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۴۶-۱۹.

25. Albareda, A. (2018). Connecting society and policymakers? Conceptualizing and measuring the capacity of civil society organizations to act as transmission belts. *VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 29(6), 1216-1232.
26. Hegre, H., Bernhard, M., & Teorell, J. (2020). Civil society and the democratic peace. *Journal of Conflict Resolution*, 64(1), 32-62.
27. Klein, S., & Lee, C. S. (2019). Towards a dynamic theory of civil society: The politics of forward and backward infiltration. *Sociological Theory*, 37(1), 62-88.
28. Senit, C. A. (2020). Leaving no one behind? The influence of civil society participation on the Sustainable Development Goals. *Environment and Planning C: Politics and Space*, 38(4), 693-712.